

معرفي مختصر از كتاب «أسني المطالب في نجاته أبي طالب»

نام كتاب : أسني المطالب في نجاته أبي طالب

مؤلف : احمد زيني دحلان مفتي شافعي مکه مکرمه

مختصري از زندگي نامه مولف :

احمد بن زيني دحلان در سال ۱۲۳۱هـ ق در مکه مکرمه به دنيا آمد و در سال ۱۳۰۴هـ ق در مدینه منوره از دنيا رفت و در همانجا مدفون شد.

آنچه سبب شده تا از وي به عنوان يك چهره ضد وهابي نام برده شود، تاليف دو كتاب در رد وهابيت است. يك كتاب او به نام فتنه الوهابية مي باشد که بیشتر به سير تاريخي جنايات وهابيت و گوشه هايي از مباني ايشان پرداخته است و كتاب ديگر او الدرر السنيه في الرد علي الوهابية نام دارد که در آن به اثبات جواز توسل و تبرک و زيارت پرداخته است و در پايان پيشگويي پيامبر مکرم اسلام صلي الله عليه و آله را درباره وهابيت ذکر مي کند.

چنانچه از تاريخ ولادت و وفات وي معلوم است، حيات او مصادف با دور دوم به قدرت رسيدن وهابيت (از سال ۱۲۳۶هـ تا ۱۳۰۹هـ) توسط (ترکي بن عبد الله) بوده است لذا وي از نزديک در جريان امور قرار داشته است .

محقق كتاب در مقدمه اين كتاب از وي به تجليل نام برده و وي را شيخ الاسلام مکه مکرمه و اساتيد مبرز آن زمان بر مي شمارد .

يکي از کتبي که به قلم وي به رشته تحرير در آمده است، كتاب أسني المطالب في نجاته أبي طالب عليه السلام مي باشد.

معرفي اجمالي كتاب :

ابوطالب که نام اصلي ايشان عمران مي باشد، پدر بزرگوار حضرت علي عليه السلام بوده و داراي مقامي بالا و بزرگي بود. ايشان از حاميان اصلي پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله در دوران خفقان مکه و مدینه بوده و دفاع ايشان از وجود مقدس حضرت رسول صلوات الله عليه و آله نقش مهم ايشان و محبت ابوطالب عليه السلام به پيامبر را بيان مي کند . متأسفانه از سوي برخي معاندین و کساني که دشمني ديرينه با خاندان پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله و اميرمؤمنان عليه السلام دارند، نسبت به وجود مقدس حضرت ابوطالب عليه السلام شبهاتي را مطرح کردند که بدون دليل بر وجود ايشان

هجمه کرده و مطالبی بی اساس را بر علیه ایشان وارد می کند . هر چند از جانب علمای شیعه پاسخ این شبهات به کرات داده شده است، اما بعضی از اهل سنت نیز در مقابل این شبهات فاسد ایستاده و در مقام دفاع از آن حضرت بر آمده اند . یکی از این کتب، کتاب حاضر بوده که نوشته یکی از علمای اهل سنت و مفتی شافعی مکه مکرمه در دفاع از وجود مقدس حضرت ابوطالب سلام الله علیه نوشته است که در این نوشته به معرفی این کتاب می پردازیم :

معرفی تفصیلی کتاب :

این کتاب که با توضیح و تحقیق حسن سقاف شافعی از علمای بزرگ و محققین اهل سنت معاصر به رشته تحریر در آمده است، در چندین باب تدوین شده است که بدین شرح است :

فصل اول : ابوطالب حامی و یاور پیامبر صلی الله علیه و آله :

او در این باب در چند نقطه اصلی بحث خود را مطرح می کند . محقق قائل است حتی کسانی که قائل به عدم ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام هستند، آنان خود معترف اند که از حامیان و یاوران اصلی پیامبر، حضرت ابوطالب علیه السلام است .

سقاف دومین نقطه مهمی که در این فصل مورد بحث و بررسی قرار می دهد، اشعار ابوطالب پیرامون نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که دال بر ایمان ایشان است. وی از ابن کثیر دمشقی نقل می کند که شعر معروف ابوطالب علیه السلام در مورد پیامبر، اولاً بلاغت بسیار بالایی دارد و ثانیاً کسی این شعر را می تواند بسراید که هم نسب با آن حضرت صلی الله علیه و آله باشد . در واقع وی با نقل کلام ابن کثیر تلویحاً تصریح می کند که ابوطالب علیه السلام از منتسبین به پیامبر بوده و ایمان ایشان امری مسلم و قطعی است .

وی همچنین نقطه سومی را که مورد بحث قرار می دهد، یکی دیگر از اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام است که دال بر ایمان ایشان است . وی همچنین کلامی از ابن کثیر را بدین صورت نقل می کند:

و اخباری که از حفظ و دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است بسیار مشهور و معروف است از جمله آن شعر زیر است...

سقاف شافعی چهارمین دلیل بر ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام را، سال حزن می داند . وی می نویسد : زمانی که در یک سال هم حضرت ابوطالب علیه السلام و هم حضرت خدیجه از دنیا رفتند، آن سال را پیامبر به عام الحزن یعنی سال حزن و اندوه نام نهادند که خود حاکی از دنیا

رفتن دو فرد مومن بود . هم چنین در این فصل مطالبی پیرامون ایمان و حمایت حضرت را از کتب اهل سنت ذکر می کند .

فصل دوم : بعضی آیاتی که معاندین گمان می کنند در شان ابوطالب علیه السلام نازل شده

است :

در این باب محقق بعضی از آیاتی که معاندین گمان می برند که در شان حضرت ابوطالب علیه السلام نازل شده است را نقل و بعضا نظرات علمای اهل سنت پیرامون رد این گمان های باطل را نیز نقل می کند . وی همچنین شان نزول هایی که علمای اهل سنت در کتب خود ذکر کرده و گمان کرده اند که در مورد فلان شخص نازل شده و یا پیرامون فلان حادثه نازل شده در حالی که این چنین نبوده را نیز اشاره می کند .

او احادیثی که طعن در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام بوده و قصد دارد تا رحلت آن حضرت را بدون ایمان جلوه دهد را نقل کرده و صراحتاً آنان را رد می کند . وی حتی بعضی از احادیثی که مخالفین به آن احتجاج می کند را ذکر می کند و تصریح می کند که این حدیث با آیات قرآن مخالف بوده و به شدت نقد و رد می کند .

فصل سوم : نظرات علماء پیرامون ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام:

در این باب به ذکر مواردی از نظرات و کتب علمای اهل سنت می پردازد که پیرامون ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام کتبی مستقل نوشته اند که محقق ۸ کتاب را ذکر می کند و سپس متن اصلی کتاب آغاز می شود .

متن کتاب اسنی المطالب فی ایمان ابي طالب علیه السلام :

زینی دحلان در مقدمه کتاب خود هدف از تالیف کتابش را چنین می نویسد :
کتابی دیدم که علامه برزنجی پیرامون نجات پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته و در آخر کتاب خود پیرامون حضرت ابوطالب و نجات ایشان نوشته بود و دلایل او بر اساس کتاب و سنت و اقوال علماء بود و اگر کسی در ادله مخالفین و معاندین نگاهی بیاندازد با یقین در می یابد که آن حضرت نجات یافته است و حتی نصوص وارده تصریح در نجات آن حضرت دارد مطالبی را از دیگر کتب مخصوصاً دو کتاب المواهب اللدنیة و السیرة الحلبیه به نحو مختصر ولی در عین حال نافع انتخاب کردم و نام آن را أسنی المطالب فی نجات ابي طالب گذاشتم .

مؤلف ضمن بیان مقدمه ای علمی، در صدد است تا بحث ایمان و نجات حضرت ابوطالب علیه السلام را نقل و به ذکر ادله بپردازد .

وی همچنین می نویسد :

علامه برزنجی ابتدا با دلایل و براهینی ایمان ابوطالب را به اثبات رسانده و سپس به اثبات نجات او پرداخته و از ارجح اقوال علماء و محققین استفاده کرده است.

وی سپس ابتدا ایمان را تعریف کرده و سپس به تعریف اسلام می پردازد . وی سپس به این نکته اشاره می کند که آیا اقرار و بر زبان جاری کردن شهادتین شرط است یا خیر و سپس به ذکر اختلاف علمای اهل سنت پیرامون این قضیه می پردازد و از مجموع سخنانی که نقل می کند، و همچنین روایاتی را که ذکر می کند تصریح می کند که اقرار به زبان در مورد شهادتین شرط نیست. وی همچنین می نویسد که برزنجی بابتی مستقل را در کتاب خود تدوین کرده که اگر کسی ذره ای ایمان در دلش باشد در آتش جهنم ابدی نخورد بود. وی بعد از نقل کلام علما باز هم نتیجه ای گرفته و می نویسد : اگر کسی از روی عناد نباشد و با عذری شهادتین را ترک کند و قبلش به ایمان مطمئن باشد، این شخص کافر نبوده و اگر در این حالت کلمه ای کفر آمیز نیز بگوئید ضرری به او نمی رسد و باز هم مومن است .

یکی دیگر از استدلالات مؤلف برای تثبیت ایمان ابوطالب علیه السلام، روایاتی است که از پیامبر نقل کرده که خود دال بر ایمان ایشان و مملو بودن قلبش از توحید می باشد . وی نقل می کند که روزی ابوطالب علیه السلام مریض شد و از پیامبر درخواست دعا کرد . پیامبر در حق عموی خود دعا کرده و شفا یافت . آیا می توان بگوئیم که نستجیر بالله پیامبر برای یک شخص غیر مومن دعا کرده است و خدوند دعایش را پذیرفته است؟!

وی همچنین نقل می کند که ابوطالب علیه السلام فرزند خود جعفر را به نماز خواندن همراه پیامبر صلی الله علیه و آله امر می کرد و می نویسد : آیا ممکن است کسی فرزندانش را به نماز خواندن پشت سر پیامبر تشویق و ترغیب کند در حالی که خودش غیر مومن باشد؟! همه اینها دلیل بر این است که قلب ابوطالب لبریز از ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است .

مؤلف چنانچه سقاف نیز اشاره کرد، متذکر می شود در سالی که حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیهما السلام از دنیا رفتند پیامبر آن سال را عام الحزن نامیدند .

زینی دحلان همچنین اشعاری که دال بر ایمان آن حضرت بوده است را نیز متذکر می شود و تصریح می کند این اشعار از کسی سروده نمی شود مگر کسی که با ایمان باشد .

وي روايتي از پیامبر را در کتاب خود به نقل المناقب ذکر مي کند که پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله فرمودند : روز قيامت از پدر و مادر و عمويم شفاعت مي کنم . زيني دحلان همچنين مي نويسد : حضرت علي عليه السلام زماني که خبر رحلت ابوطالب را به پیامبر رساند، آن حضرت گريه کرد و به حضرت علي عليه السلام فرمودند : برو و پدرت را غسل بده و کفن کن و به خاک بسپار که خداوند او را آمرزيده است .

مولف تصريح مي کند زماني که ابوطالب عليه السلام از دنيا رفت، آزار و اذيت قريش بر پیامبر زياد شد چرا که ابوطالب از حاميان اصلي پیامبر صلي الله عليه و آله بود و مشرکين و کينه توزان کينه هر دو را در دل داشتند و پیامبر در فراق عموي خود در مقابل اين آزار و اذيت مشرکين فرمودند : اي عمو! چقدر زود فراق تو را دريافتم .

وي همچنين به طور مفصل تر از قبل؛ آیاتي که دستاویز معاندين شده و آنان براي خدشه دار کردن ايمان حضرت ابوطالب عليه السلام به کار مي برند را ذکر و ضمن بيان نقد هاي علامه برزنجي، خودش نيز کلمات مخالفين را نقد و ضمن بررسي، رد مي کند .

وي مي نويسد : علامه برزنجي در اول رساله خود که در مورد نجات پدران و مادران نوشته است، مي نويسد : آباء و اجداد همگي بر توحيد از دنيا رفته اند .

مولف بابي جديد را ذکر مي کند و آن اينکه عبدالمطلب، جد پیامبر بر دين توحيد بوده است و موحد بوده و از طرفي چون ابوطالب فرزند آن حضرت بوده و همچنين رفت و آمد پیامبر نزد آن بزرگواران، با استناد به رواياتي بر اساس کتب اهل سنت، به موحد بودن عبدالمطلب و ابوطالب مي پردازد.

مولف از قول علامه برزنجي با استناد به روايتي از پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله مي نويسد که پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله فرمودند : کسي که مويي از موهاي من را آزار دهد مرا آزار داده است و داشتن بغض ابوطالب و صحبت کردن در مورد ايشان، موجب آزار و اذيت پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله و آزار و اذيت فرزندان آن حضرت در همه زمان ها مي شود .

وي براي کلام خود مويد آورده و مي نويسد : آنچه بر نجات ابوطالب نيز اشاره دارد، کلام بسياري از علما همچون قرطبي و شعراني و سبكي و بسياري ديگر است . وي همچنين مي نويسد : کسي که اسلام و ايمان به خداوند متعال داشته باشد، با ذکر اين همه ادله و براهين که علامه برزنجي ذکر کرد، در ميابد که ابوطالب از نجات يافتگان بوده است .

وي همچنين در اين باب رواياتي را متذکر مي شود که شفاعت پیامبر در حق هيچ مشرکي نبوده و فقط آن حضرت در حق غير مشرک شفاعت مي کردند و از طرفي با روايت صحيح ثابت شد

که پیامبر ابوطالب را شفاعت کرده است . پس نتیجه گرفته می شود که ابوطالب مشرک نبوده چرا که شفاعت پیامبر شامل حال او شده است .

زنی دحلان تا به اینجا سخنان کلامه بزرنجی را نقل می کند و سپس در تکمله ای که خودش نوشته است، پیرامون شخصیت نویسنده سخن می گوید .

وی ابتدا زندگی نامه ای نسبتاً مفصل از مولف اصلی رساله نجات الابوین یعنی علامه بزرنجی نقل کرده و سپس خاندان، فرزندان و تالیفات و همچنین مقام علمی او را متذکر می شود .

همچنین در پایان کتاب خلاصه ای زندگانی مولف کتاب اسنی المطالب، یعنی جناب احمد زینی دحلان و کتبی که وی به رشته تحریر در آورده است مذکور است .
برای دانلود کتاب بر روی لینک زیر کلیک کنید :

[دانلود کتاب با فرمت PDF](#)